

## صحنه های شنیداری و شنیدار صحنه ای در تئاتر نیمه ی دوم قرن بیستم

لیلی گله داران\*

### چکیده

ریشه ی لغوی تئاتر در یونان باستان، تئاترون به معنای محل دیدن می باشد اما تئاتر همواره مکانی برای شنیدن نیز بوده است. در نیمه ی دوم قرن بیستم متعاقب ظهور پرفورمنس، گسترش رویکرد بینارشته ای در هنرها و شیوع و نفوذ رسانه های جمعی الگوواره ی تئاتر تغییر یافت و در راستای تغییر الگوواره های متن، بازیگر، صحنه، تأکید و تمرکز بر صدا، صوت و شنیدار افزایش یافت. از یک سو پرفورمنس و از سمتی دیگر تکنولوژی های دیجیتال، صحنه های تئاتری این دوره را متحول کردند. در مسیر گذار از تئاتر دراماتیک به تئاتر پست دراماتیک، تئاتر به فضا، ژست، تصویر و صدا نقش مؤثرتری محول کرد و صحنه های شنیداری به دلیل قابلیت های ویژه خود بر صحنه های دیداری که محدودیت فضایی داشتند تفوق یافت. تئاتر نیمه ی دوم قرن بیستم با دوگانه ی صحنه های دیداری و صحنه های شنیداری توانست فضای اجرایی را بسط و گسترش دهد و تئاتر را به جهان بی مرز و ممکن برای تحقق هر ایده ای مبدل کند. صحنه های شنیداری کدام اند و در چه موازنه ای با صحنه های دیداری قرار می گیرند؟ رابطه ی مخاطب با اثر چگونه است و صحنه های شنیداری چه نوع شنیداری از مخاطب می طلبد یا چگونه شنیدار او را تربیت می کند؟ این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با فنون جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و مشاهده ی مستقیم صورت گرفته است که در مشاهده مستقیم به اجرا های زنده، فیلم، تراک های صوتی استناد شده است.

**کلیدواژه:** صحنه های شنیداری، شنیدار صحنه ای، صدا، صوت، تئاتر پست دراماتیک